

سیاست‌های ارزی مانع تولید



بهرام شکوری

فعال بخش معدن و صنایع معدنی

تغییر مداوم سیاست‌های ارزی ضربات متعددی را به فرآیند تولید در صنایع مختلف تحمیل کرده‌است. در چنین بستری امکان برنامه‌ریزی برای آینده از این فعالان صنعتی سلب می‌شود. علاوه بر این تفاوت قابل توجه میان نرخ دلار نیمایی و نرخ دلار در بازار آزاد، چالشی اساسی برای تولیدکنندگان، صادرکنندگان یا فعالان اقتصادی است. در شرایطی که دلار در کانال ۴۴ هزار تومان در بازار آزاد مابله می‌شود، صادرکنندگان موظفند ارز صادراتی خود را با قیمت مصوب نیمایی که این روزها در کانال ۲۸ هزار تومان تثبیت شده،بازگردانند. این سیاست که در هفته‌های گذشته اجرایی شده خسارت مستقیم و جدی به صنعتگران تحمیل و همزمان امکانی برای سوءاستفاده و رانت فراهم کرده است. تولید در کنار واردات معنا می‌یابد؛ به این معنی که بسیاری از تولیدکنندگان برای تداوم فعالیت خود نیازمند واردات هستند. علاوه بر این بسیاری از تولیدکنندگان طرح‌های توسعه‌ای را در دست اجرا دارند که نیاز آن به واردات قابل توجه برآورد می‌شود، زیرا اجرای این طرح‌های توسعه نیازمند خرید تجهیزات و ماشین‌آلات و همزمان ورود فناوری و نوآوری‌های نوین به کشور است، اما در سایه مقررات مورد بحث عملاً روند فعالیت صنعتگران با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد؛ بنابراین می‌توان این‌طور ادعا کرد که با افزایش دخالت در این زنجیره، عملاً آسیب‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های دولتی، بیشتر شد. در ادامه باید تأکید کرد خلاف تصورات عمومی صنایع فعال در کشور نه‌تنها از امتیازات ویژه‌ای برخوردار نیستند، بلکه فشار مضاعفی را هم متحمل می‌شوند؛ به‌بیانی دیگر صنایع فعال در کشور از امتیازات محدودی برخوردارند و همزمان موانع متعددی نیز که از سیاست‌گذاری دولت نشأت می‌گیرد به فرآیند تولید آنها تحمیل می‌شود. به‌عنوان مثال سود تسهیلات پرداختی به صنایع ۱۸ درصد است و با احتساب پولی که از سوی صنعتگران نزد بانک سپرده می‌شود در نهایت ۲۳ درصد برآورد می‌شود، این در حالی است که سود تسهیلات صنایع در اغلب کشورهای دنیا کمتر از ۵ درصد گزارش شده است؛ بنابراین صنعتگران ایرانی از سود بالای تسهیلات بانکی مضرر می‌شوند. علاوه بر این نبود تعامل سازنده میان ایران و برخی کشورها، چالش‌هایی را به صنعتگران تحمیل می‌کند. در سایه نبود معاملات بانکی، امکان لازم برای خرید محصولات ایرانی در قالب معاملات اعتباری یا با کمک‌ال‌سی، وجود ندارد؛ در نتیجه تولیدکنندگان ما ناچارند محصول خود را با نرخ به‌مراتب پایین‌تر از نمونه‌های مشابه خارجی به فروش برسانند. با توجه به دورنمای روابط تجاری میان ایران و سایر کشورها، خسارات متعددی به صنعتگران ما تحمیل می‌شود. صنایع ما در طول سال با محدودیت‌های جدی در روند تأمین برق و گاز روبه‌رو هستند؛ در نتیجه اگر هم آمیتیاز از سوی دولت در اختیار صنایع قرار گیرد، باوجود این محدودیت‌ها عملاً اثرات این امتیازات از میان خواهد رفت. تولیدکنندگان فارغ از هر نوع فشاری، ارز حاصل از صادرات خود را بازمی‌گردانند؛ در غیر این صورت امکان تداوم تولید و فعالیت خود را از دست می‌دهند. در واقع ارز صادراتی رهاکاری برای تداوم تولید در داخل کشور است. تولیدکننده باید هزینه‌های متعددی از جمله نیروی انسانی، تعمیر و نگهداری، مالیات و… را تأمین کند و این مهم با کمک درآمدهای حاصل از فروش داخلی یا خارجی ممکن می‌شود. در نتیجه بازنگراندن ارز به‌منزله ایجاد وقفه در تولید و عملاً غیرممکن است؛ بنابراین از سیاست‌گذاران انتظار می‌رود با شناخت دقیق‌تر شرایط برای آینده برنامه‌ریزی کنند.

نکته

علی بیگلری؛

ایران و غرب به دیپلماسی پنهان روی آورند

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره فشار روی جمهوری اسلامی ایران و وضعیت مذاکرات احیای برجام اظهار داشت: اروپا و آمریکا در تلاش هستند ایران را تحت یک فشار فزاینده قرار دهند تا نه تنها در خصوص مسائل هسته‌ای، بلکه درباره موضوع حضور و عملکرد جمهوری اسلامی در منطقه هم بتوانند اعمال نظر کنند و امتیازاتی دریافت کنند. علی بیگلری گفت: هنوز برجام به‌طور کامل نمرده است و راه‌هایی وجود دارد که بتوان این توافق را احیا کرد. حتی من معتقدم که هرچند نامرتب، اما مذاکراتی در پشت پرده در جریان است. اصلاً به‌طور کلی وقتی جوزپ بورل به عنوان یک دیپلمات و سیاستمدار محافظه کار مدعی می‌شود که هنوز برجام نمرده است و می‌توان آن را احیا کرد، پس نباید شک کرد که هنوز این امکان وجود دارد. وی افزود: جوزپ بورل جز افرادی است که در روند دستیابی به توافق هسته‌ای و کاهش تنش میان ایران و اروپا نقش بسیار پررنگ و تأثیرگذاری دارد. حتی می‌توان گفت یکی از دلایل مهم در عدم قرار گرفتن نام سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا همین ریزش‌های بورل بود. او بعد از تصمیم پارلمان اروپا، با برخی از مقامات اروپایی دیدار و گفت‌وگو کرد تا مانع از این تصمیم شود؛ لذا من فکر می‌کنم یک دیپلماسی پنهان میان ایشان و مقامات ایرانی نیز در جریان است؛ بنابراین در کوتاه‌مدت خبرهای جدیدی منتشر شود. این کارشناس مسائل بین‌الملل بیان کرد: تمام راه‌های رسیدن به توافق برجام یا همان احیای برجام، مسدود نشده است و هر سه طرف به‌شدت نیاز دارند که توافق مورد نظر محقق شود. آمریکا‌یی‌ها به این توافق نیاز دارند، زیرا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار دارند و دموکرات‌ها خیلی دلشان می‌خواهد در این زمان با یک دستاورد وارد این کارزار سیاسی شوند. اما از طرف دیگر همان‌طور که می‌بینید، تأکید دارند که برجام از دستور کار آنها خارج شده‌است. دلپیش هم این است که می‌خواهند با امتیازات بیشتر به این توافق دست پیدا کنند. یعنی کاهش فعالیت ایران در منطقه. هیچ موضوعی برای آنها مهمتر و جذاب‌تر از کاهش تحرکات ایران در منطقه نیست و مساله موشکی و حقوق بشر در جایگاه‌های بعد از این موضوع قرار می‌گیرند و اولویت‌های بعدی آمریکا‌یی‌ها هستند. وی افزود: درباره اروپا هم آنچه مشاهده می‌شود، صرفاً یک نمایش قدرت است. اروپایی‌ها در تلاش هستند فشار بر ایران را تا حدی افزایش دهند که زمینه برای یک مذاکره و توافق مناسب فراهم شود. آنها سوامی از فشار بر ایران به راه انداختند که به جرات می‌توان گفت طی این ۴۳ سال بی‌سابقه است. البته در طرف مقابل تهدید ایران مبنی بر خروج از NPT را هم نباید نادیده گرفت. این دقیقاً موضوعی است که اصلاً طرف اروپایی و آمریکایی نمی‌خواهند با آن مواجه شوند؛ زیرا این کار تمام موضوع هسته‌ای و مذاکرات را پیچیده خواهد کرد.

آرمان ملی

مر ترضی افقه در گفت‌و‌گو با «آرمان ملی»:

از نظر اقتصادی

سال سختی

پیش‌رو داریم

رئیس‌جمهور در پست‌های کلیدی اقتصادی تغییر ایجاد کند

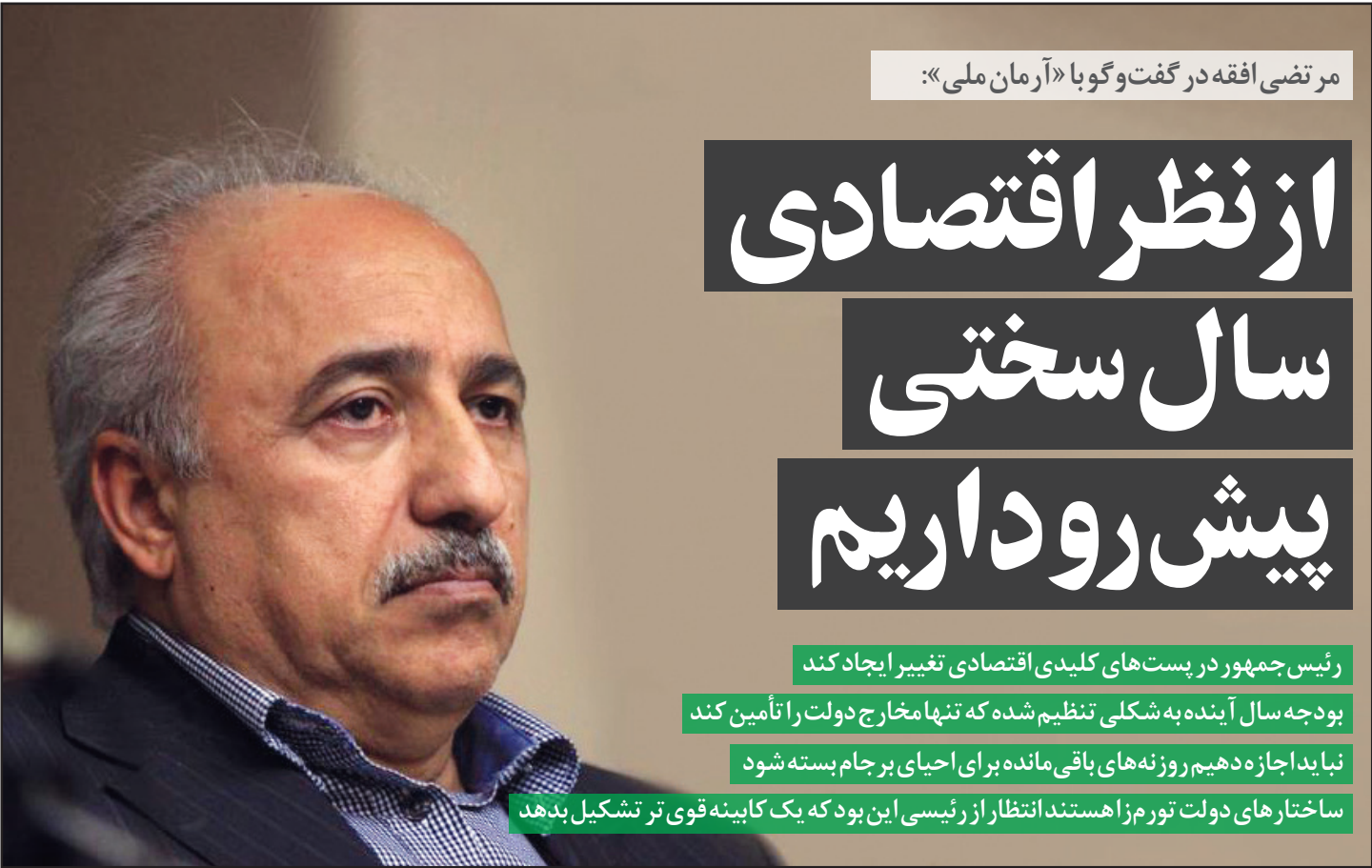
بودجه سال آینده به‌شکلی تنظیم شده که تنها مخارج دولت را تأمین کند

نباید اجازه دهیم روزنه‌های باقی‌مانده برای احیای برجام بسته شود

ساختارهای دولت تورم‌زا هستند انتظار از رئیسی این بود که یک کابینه قوی‌تر تشکیل بدهد

یکشنبه
۱۴۰۱.۱۱.۰۹
شماره ۱۴۸۱
سال پنجم
۲۰ه رجب ۱۴۴۴/ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۳

armanmeli.ir



آرمان ملی – احسان انصاری: با توجه به بن‌بست در مذاکرات احیای برجام و بودجه‌ای که دولت برای سال آینده تدوین کرده چه چشم‌اندازی پیش‌روی اقتصاد کشور قرار دارد؟ آیا مردم باید یک‌سال سخت‌اقتصادی دیگر را تحمل کنند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این پرسش‌ها با دکتر مر ترضی افقه، اقتصاددان گفت‌وگو کرده‌است. افقه معتقد است: «انتظار از آقای رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور این بود که در شرایطی که کشور با چالش‌هایی مواجه است یک کابینه قوی‌تر در زمینه‌های مختلف و نه تنها در زمینه اقتصادی تشکیل دهد. نکته قابل توجه این است که برخی از اعضای تیم اقتصادی دولت دانش آموخته اقتصاد نیستند. نمونه بارز آن رئیس کل بانک مرکزی سابق یا معاون اول رئیس‌جمهور که در رشته اقتصاد تحصیل کرده‌اند. نکته قابل توجه این است که در رشته اقتصاد تحصیل کرده‌اند. نکته قابل توجه این است که در رشته اقتصاد تحصیل نکرده‌اند.» در ادامه حاصل این گفت‌و‌گورامی خوانید.

با توجه به تأثیرگذاری برجام و تحریم‌ها بر اقتصاد ایران در شرایط کنونی که سر نوشت برجام در ابهام قرار دارد و احیای آن از شانس کمی برخوردار است دولت چگونه می‌تواند وضعیت اقتصاد داخلی را مدیریت کند؟ در چنین شرایطی چه سیاست‌هایی می‌تواند وضعیت اقتصادی مردم را بهبود بدهد؟

اعضای دولت بیشتر از دیگران به داده‌های آماری و واقعیت‌های اقتصادی کشور آگاهی دارند و به همین دلیل به خوبی می‌دانستند که بدون رفع تحریم‌ها نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای اقتصادی مردم باشند. دولت رئیسی در مذاکرات هسته‌ای نیز به نتایج خوبی رسیده بود و این احتمال وجود داشت که توافق حاصل شود، اما به نظر می‌رسد مساله جنگ روسیه و اوکراین چشم‌اندازی را پیش‌روی تیم

هسته‌ای ایران قرار داد که گمان کردند می‌توانند با امتیازات بیشتری با کشورهای غربی توافق کنند. در شرایط کنونی نیز دولت همچنان به دنبال احیای برجام است. هر چند طرف مقابل با توجه به اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر رخ داده از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردار شده‌است. واقعیت این است که اگر برجام احیا نشود مشکلات اقتصادی در ایران تشدید می‌شود و دولت در مدیریت اقتصاد کشور با مشکل مواجه خواهد شد. در چنین شرایطی دولت گمان می‌کند با افزایش مالیات‌ها می‌تواند مشکلات را حل کند. به همین دلیل میزان در یافت مالیات را در

بودجه سال آینده افزایش داده‌است. با این وجود دولت این نکته را فراموش کرده که بودجه دولت تنها یک‌چهارم تولید ملی را تشکیل می‌دهد. این سخن به معنای این است که اگر دولت موفق شود ۵۰درصد مالیاتی که در بودجه مشخص کرده را اخذ کند نیز تنها مشکل خود را حل کرده‌است. در چنین شرایطی اجرای دیگر تولید ملی محقق نمی‌شود و به همین دلیل برای مدیریت اقتصاد کشور چالش ایجاد می‌کنند.

دولت با مالیات نمی‌تواند چالش‌های اقتصادی را پوشش بدهد. **چرا دولت میزان مالیات را افزایش داده‌است؟** دلیل این موضوع نیز این است که مالیات خود تابعی از تولید ملی به‌شمار می‌رود. به دلیل تحریم‌ها میزان تولید ملی ما در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی نداشته‌است. به همین دلیل دریافت مالیات نمی‌تواند مشکلات دولت را مرتفع کند و به همین دلیل دولت مجبوری می‌شود مانند امسال کسری بودجه خود را به شکل‌های مختلف جبران کند. دولت با مجبور است استقراض کند یا اوراق قرضه به مردم ارائه کند. این در حالی است که سود اوراق قرضه حدود ۲۰درصد بیشتر نیست در حالی که تورم ۴۵درصد است. به همین دلیل خرید اوراق قرضه برای مردم زیاد مقرون به صرفه نیست. البته دولت بیشتر این اوراق را به پیمانکاران یا طلبکاران خود می‌فروشد. دولت

دولت با مالیات نمی‌تواند چالش‌های اقتصادی را پوشش بدهد.

سیاست خارجی ما نباید خارج از محدوده اخلاق باشد اما در زمینه‌های دیگر باید بر اساس منافع ملی حرکت کند. اگر ما هم‌راهی با کشورهای جهان را در دستور کار خود قرار بدهیم قطعاً می‌تواند در زمینه سیاست داخلی نیز تأثیر مثبتی به همراه داشته باشد

وضعیت به معنای سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی در سال آینده خواهد بود. **به نظر می‌رسد در کنار موضوع بن‌بست در مذاکرات احیای برجام و بودجه سال آینده موضوع ناکارآمدی برخی اعضای تیم اقتصادی دولت نیز مشهود می‌شود. آیا**

گفته‌است مالیاتی که در بودجه سال آینده پیش‌بینی کرده‌قرار است از صاحبان ثروت گرفته شود. با این وجود به نظر می‌رسد اگر این میزان مالیات محقق هم شود تمرکز آن روی کسبه کوچک و متوسط و یا کارکنان است. از سوی دیگر دولت حقوق کارمندان را تنها ۲۰درصد افزایش داده‌است. این در حالی است که هزینه‌های خود را تقریباً براساس تورم افزایش داده‌است. من فکر می‌کنم اگر روزنه‌هایی که پیش‌روی احیای برجام وجود دارد نیز از بین برود ما در سال آینده سال سختی‌را پیش‌رو خواهیم داشت. شاید در این سال فشار بیشتری به زندگی مردم وارد می‌شود که دلیل اصلی آن نیز تحریم‌هاست.

سخت‌تر شدن وضعیت اقتصادی کشور به چه معناست؟ آیا قیمت دلار و تورم افزایش زیادی پیدا خواهد کرد؟

دولت گفته‌است با کنترل نقدینگی و تورم می‌تواند وضعیت اقتصادی مردم را بهبود ببخشد. این

در حالی است که در عمل تاکنون نتوانسته تورم را کنترل کند. دلیل این موضوع این است که ساختارهای دولت تورم‌زا هستند و هزینه‌های زیادی دارد. دولت‌ها در ایران باید به سمت کاهش هزینه‌هایی می‌رفتند که سال‌هاست به گردن دولت هستند. دولت باید این بودجه‌ها را کاهش می‌داد. تا زمانی که درآمدهای نفتی وجود داشت این هزینه‌ها به چشم نمی‌آمد، اما در شرایط کنونی که درآمدهای دولت کاهش پیدا کرده

دولت باید هزینه‌های خود را کاهش می‌داد نه اینکه جایگزینی برای درآمدهای نفتی پیدا کند. اینکه دولت به دنبال جایگزینی مالیات به جای فروش نفت است یک رویکرد مثبت و مطلوب است. با این وجود سوال اینجاست که آیا این افزایش مالیات خدمات دولت را به صورت کیفی و کمی بهبود می‌بخشد و یا خیر؟ اینکه بنده عنوان می‌کنم از نظر اقتصادی سال سختی در پیش داریم به معنای این است که سفره مردم کوچک می‌شود. دلیل این موضوع نیز این است که از یک طرف مالیات‌های آنها افزایش پیدا کرده و از سوی دیگر درآمدها ۲۵درصد کمتر از نرخ تورم اعلام شده افزایش پیدا می‌کند. این

وضعیت به معنای سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی در سال آینده خواهد بود.

به نظر می‌رسد در کنار موضوع بن‌بست در مذاکرات احیای برجام و بودجه سال آینده موضوع ناکارآمدی برخی اعضای تیم اقتصادی دولت نیز مشهود می‌شود. آیا

با توجه به چالش‌های پیش‌روی کشور زمان تغییر در تیم اقتصادی دولت فراتر رسیده‌است؟

انتظار از آقای رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور این بود که در شرایطی که کشور با چالش‌هایی مواجه است یک کابینه قوی‌تر در زمینه‌های مختلف و نه تنها در زمینه اقتصادی تشکیل بدهد. نکته قابل توجه این است که برخی از اعضای کلیدی تیم اقتصادی دولت دانش آموخته اقتصاد نیستند. نمونه بارز آن رئیس کل بانک مرکزی سابق یا معاون اول رئیس‌جمهور که فرمانده اقتصادی تیم اقتصادی دولت به شمار می‌رود است که در رشته اقتصاد تحصیل کرده‌اند. محسن رضایی و وزیر اقتصاد نیز دانش اقتصادی که دارند در حد کتاب‌ها بوده و تجربه‌ای در زمینه مدیریت اقتصادی در سطح کلان نداشته‌اند. به همین دلیل باید عنوان کرد رئیس‌جمهور در شرایطی که باید قوی‌ترین تیم اقتصادی را انتخاب می‌کرد به نظر من چنین انتخابی صورت نگرفته‌است. دولت در زمینه تغییر وزیر کار و رفاه اجتماعی یا رئیس کل بانک مرکزی به این نتیجه رسید که باید این افراد تغییر کنند. این در حالی است که این ضرورت‌ها در زمینه‌های دیگر نیز وجود دارد و دولت باید هرچه زودتر در بخش‌های کلیدی اقتصاد کشور تغییر ایجاد کند. نکته جالب این است که نمایندگان مجلس که برای رأی اعتماد به وزرای دولت عجله داشتند، امروز صحبت از استیضاح وزرای مختلف می‌کنند و هر روز اخباری مبنی بر احتمال استیضاح

یکی از وزرا به گوش می‌رسد.

در چنین شرایطی به چه میزان می‌توان نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی کشور امیدوار بود و دولت باید چه تغییراتی در تصمیم‌گیری‌های خود ایجاد کند که شرایط اقتصادی کشور با تغییر مثبت مواجه شود؟

باید نشانه‌هایی مبنی بر تغییر و تحول در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشاهده شود که من این نشانه‌ها

این نمی‌بینم. این احتمال وجود دارد که برخی مدیران با ساختارهای اداری و اجرایی آشنایی ندارند و به همین دلیل عنوان می‌کنند در شرایط تحریم نیز می‌توان وضعیت اقتصادی مردم و به خصوص اقشار کم درآمد را تغییر داد. اگر مسئولان در میان مدت و بلندمدت برخی اصلاحات ساختاری و مدیریتی را بپذیرند این احتمال وجود دارد که شرایط اقتصادی کشور تغییر کند. این وضعیت درباره سیستم اداری و مدیریتی کشور نیز وجود دارد و ما نشانه‌هایی از تغییر را مشاهده نمی‌کنیم. در چنین شرایطی دولت اگر تحریم‌ها لغو نشود نشانه چندانی از اینکه وضعیت اقتصادی مردم بهتر شود وجود ندارد. مسئولان جامعه باید تلاش کنند در مرحله نخست مشکلات اقتصادی کشور را حل کنند. واقعیت این است که دولت و حاکمیت باید هرچه زودتر چاره‌ای برای لغو و خنثی کردن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران پیدا کنند و برجام را به نتیجه برسانند. احیای برجام می‌تواند حداقل در کوتاه مدت شدت مشکلات اقتصادی را کاهش بدهد. این در حالی است که رویکردها به شکلی نیست که به سمت احیای برجام حرکت کنند. با توجه به این وضعیت نمی‌توان چشم‌انداز روشنی را نسبت به آینده متصور بود و من فکر می‌کنم اگر برجام در کوتاه مدت به نتیجه نرسد پیامدهای منفی برای کشور به همراه خواهد داشت.

سخت‌گوی دولت

رشد اقتصادی کشور به بالای سه درصد رسیده‌است

مدارس، دانشگاه‌ها و صنعت ما را تعطیل کنند. سخنگوی دولت به دستوردهای اقتصادی دولت نیز اشاره کرد و گفت: دولت سیزدهم مسئولیت را در حالی به دست گرفت که نرخ تورم ۶۰درصد بود و تورم پیش‌نگر برای امسال ۱۰۳درصد پیش‌بینی می‌شد، ولی امروز به‌دراخت و بیان کرد: دولت سیزدهم مسیر حرکت کشور را به‌نگاه به‌درون و ارتباط متوازن با جهان تغییر داد که همین امر منجر به تغییر مسیر دشمنی استکبار با کشور ما و تلاش‌شان برای بروز اغتشاش در کشور شد، اما با تمام توان‌شان حتی نتوانستند یک روز

نگره

نسبت اقتصاد ایران با جهان چگونه است؟
آدرس غلط در اقتصاد ایران

سال‌هاست که اندیشمندان و محققان کشورمان در حوزه علم اقتصاد، سعی داشته و دارند تا با خوانش دقیق مشکلات و بحران‌های اقتصادی، راه‌حلی جامع و کارساز ارائه دهند و فضا را برای رشد و رونق اقتصادی و بهبود استانداردهای زندگی مردم فراهم کنند. از این رو، تحلیلگران زیادی با رویکردها و تئوری‌های مختلف و متنوع در حوزه علم اقتصاد وارد میدان شده‌اند و به زعم خود بر آن بوده‌اند تا تحولی مثبت رایجاد کنند. با این همه، چه‌آنهایی که حامیان اقتصاد لیبرال شناخته می‌شوند و چه آن‌هایی که گرایش‌های چپی در حوزه اقتصاد دارند، هیچکدام نتوانسته‌اند تغییرات جدی، مثبت و پایدار را در اقتصاد ایران ایجاد کنند. متأسفانه نکته قابل تامل این است که شاخص‌های مهم اقتصادی کشور جزا از رشد‌های محدود، مقطعی و غیر پایدار، تقریباً به سمت بدتر شدن حرکت کرده‌اند. آمارهای مرتبط با تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تورم و به‌طور خاص وقوع جهش‌های ارزی که حداقل در دو دهه گذشته، یک ویژگی برجسته در اقتصاد ایران شده، همه و همه رو به بدتر شدن حرکت کرده‌اند. شاید یکی از نکاتی که حتی در شرایط کنونی نیز به خوبی بتوانیم آن را درک کنیم این بوده که در رابطه با مشکلات و بحران‌های اقتصادی، چه افکار عمومی و چه نخبگان سیاسی و اقتصادی در حوزه اجرایی، با برخی از درس‌های غلط مواجه هستند و بعضاً دلیل چالش‌های جاری اقتصادی را از چشم‌انداز ریشه‌ها و راه‌حل‌های غیر واقعی می‌بینند.

مهار تورم با «قیمت‌گذاری دستوری»

یکی از نکاتی که اقتصاد ایران حداقل در سال‌های اخیر به نحوی ملموس‌تر تجربه کرده، گزینه قیمت‌گذاری دستوری و به‌طور کلی برخورد دستوری با مولفه‌ها و شاخص‌های اقتصادی است.

می‌بینیم که زمانی در دولت‌های محمود احمدی نژاد، حسن روحانی و اکنون، ابراهیم رئیسی، یک قیمت ارز دستوری با عنوان ارز ترجیحی شکل می‌گیرد تا شاید بتوان از افزایش افسارگسیخته بهای ارز و در نتیجه ایجاد آشفتنگی اقتصادی جلوگیری کرد و با مدیریت بخش تقاضای ارز و در عین حال، عرضه مناسب، کنترل بازار ارزی را آن هم در شرایطی که کشور با تحریم‌های گسترده اقتصادی روبه‌رو است به دست گرفت. کنترلی که هدف اصلی آن، جلوگیری از وقوع جهش‌های ارزی و سرازیر شدن گرانی‌ها به دیگر بازارهای مالی است. این در حالی است که تجربه چند باره این موضوع، ناکارآمدی آن را به خوبی روشن ساخته و هر چه ما فتر مقابله با جهش قیمت ارز را بیشتر فشرده‌ایم، در رفتگی و رها شدن فنر نیز با قدرت بیشتری اتفاق افتاده و جهش‌های ارزی به یک پدیده متناوب که سال به سال، زمان وقوع آن کوتاه‌تر می‌شود، تبدیل شده‌است. دستگاه سیاست خارجی و حکمرانی کشورمان باید ابزارها و امکانات قدرت را پای کار آورد و فضایی مساعد را برای اوج‌گیری و رشد اقتصاد و رونق ایجاد کند. وقتی زمینه برای مرآودات اقتصادی خارجی ایران هموار باشد دیگر کشورها به پتانسیل‌های اقتصادی ایران وابسته شوند و رونق در فضای اقتصاد حاکم باشد، اشکی نیست که هزینه‌های به حرکت درآوردن چرخ پیشرفت نیز به مراتب برای دولت کاهش می‌یابد و نشاط اجتماعی و امید به آینده و زندگی میان طبقات و گروه‌های مختلف جمعیتی کشور، افزایش می‌یابد.

گزاره «مدیران ناکارآمد»

در سال‌های اخیر بارها و بارها این مساله را شنیده‌ایم که یکی از عوامل اصلی مشکلات و بحران‌های اقتصادی کشور، مدیران ناکارآمدی هستند که بعضاً بر کرسی‌های مدیریتی تکیه داده‌اند. در سطح کلان این مساله که دلایل دولت با فلان رویکرد می‌تواند بر بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی کشور غلبه کند نیز به کرات مطرح شده‌است. با این حال، باید گفت این مساله نیز یک آدرس غلط جدی در حوزه اقتصاد ایران است، بله، وجود افراد ناکارآمد به ویژه در پُست‌های حساس اقتصادی می‌تواند حاصل ضربات ناگواری به اقتصاد ایران باشد با این حال، اشکال اصلی طرفداران این سبک فکری این است که آنها اساساً نقش مولفه «فرد ناکارگزار»، در مشکلات کلان اقتصادی کشور را بزرگ‌تر از «ساختار» می‌بینند. ما باید در بپذیریم که در یک ساختار معیوب حتی بهترین افراد نیز از شانس چندانی جهت کسب موفقیت برخوردار نیستند.

نسبت اقتصاد ایران با جهان

یکی از آدرس غلط‌های دیگری که در سال‌های اخیر بارها و بارها مطرح شده این است که اقتصاد ایران به دلیل مشکلات سیاسی تهران با جهان غرب، هیچگاه این فرصت را نخواهد داشت که وارد رابطه‌ای درست و منطقی با این دسته از کشورها در حوزه اقتصادی شود. در این رابطه دو مساله مطرح است. اولاً، اینکه ایران با جهان غرب از حیث گفتمانی مشکلات عدیده‌ای دارد به هیچ عنوان مطلب غلطی نیست. بله، دو طرف در این رابطه با دیگری چالش‌ها و اختلافات جدی دارند و روابط نوسانی آنها در دهه‌های اخیر نیز نمودی عینی از این مساله است. با این حال، باید این سوال را از خود پرسیم که اگر روابط به حالت پایبند نیز گام بگیراد، آیا بانک‌ها و نهادهای مالی در غرب و حتی شرق عالم حاضرند با شمار قابل توجهی از بانک‌های ما که دچار مشکلاتی نظیر ناترازی‌های مالی، زیانده بودن و… هستند، همکاری داشته باشند؟ در واقع، یک بخش از آدرس غلطی که در این زمینه داده شده، موهوب است و مدعیان خود ما و کم‌کاری در اصلاح نظام بانکی کشورمان است.